



مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته: تفسیر و علوم قرآن

عنوان پایان نامه

فرایند شکل گیری تقوا از دیدگاه قرآن کریم

استاد راهنما

حجت الاسلام و المسلمین دکتر اسماعیل سلطانی

استاد مشاور

حجت الاسلام و المسلمین دکتر علی اوسط باقری

دانش پژوه

محسن کریمی قدوسی

اسفند ۱۳۹۶

الله أكبر

کلیه حقوق این پایان نامه، اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس و ... ،
برای مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) محفوظ است.
نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

تقديم و اهداء

اين اثر ناچيز و ناقابل را همراه با عرض سلام و تحيت به محضر شريفِ

«كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ بَابُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى»

حضرت حجة بن الحسن المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

هديه نموده و خاضعانه عرض می نمایم؛

«يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ وَ جِئْنَا بِبِضَاعِهِ مُرْجَاهُ

فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ»

(يوسف، ۸۸)

تقدیر و تشکر

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ»

پس از حمد و ستایش الهی، به رسم ادب و به مقتضای قدردانی، بر خود لازم می‌دانم از تمام کسانی که زمینه‌ی تدوین پایان‌نامه را برای بنده فراهم نمودند سپاس‌گذاری کنم؛ در ابتدا از حضرت آیة الله علامه مصباح یزدی (دامت ظله)، بنیان‌گذار مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره) و حضرت آیة الله رجبی (حفظه الله)، مدیر گروه تفسیر و علوم قرآن که فضای علمی و معنوی مناسبی را برای دانش‌پژوهان این رشته مهیا نموده‌اند، کمال تشکر را دارم. همچنین از استاد محترم راهنما حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر اسماعیل سلطانی، استاد محترم مشاور حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر علی اوسط باقری و استاد محترم داور حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر سید احمد فقیهی که با ارشادات ارزشمند خود باعث تصحیح و تکمیل این تحقیق شدند، تقدیر می‌نمایم. در پایان از همسر و همراهم که در طول دوران نگارش پایان‌نامه زحمات فراوانی را متحمل شدند و با صبر و بردباری بنده را در رفع موانع یاری رساندند، صمیمانه تشکر می‌کنم. از خداوند متعال برای پدر و مادرم و تمام استادان خود در دوران تحصیل، طول عمر با عزت و توفیق خدمت بیشتر را خواهانم و برای همگی آنان از درگاه الهی، رستگاری و نیک بختی را خواستارم.

چکیده

یکی از بهترین و جامع‌ترین ویژگی‌های اخلاقی از نظر قرآن کریم، تقوای الهی است که تأثیر به‌سزایی در سعادت ابدی انسان و کرامت اکتسابی او نزد پروردگار دارد. مراد از تقوا در قرآن این است که انسان با ایمان به خدا و امتثال از اوامر و اجتناب از نواهی او، خود را از شقاوت اخروی حفظ نماید. حالت مطلوب و ایده‌آل تقوا زمانی محقق می‌شود که بصورت یک ملکه‌ی ثابت نفسانی دربیاید. شکل‌گیری این صفت به عنوان یک هدف ارزشمند، متوقف بر طی نمودن مراحل متعدّد و متوالی است که در قالب یک فرایند قابل پیگیری می‌باشد.

در این پایان‌نامه تلاش شده با جمع‌آوری، دسته‌بندی و تحلیل آیات به روش تفسیر موضوعی، فرایند مورد نظر قرآن، به عنوان مسئله‌ی تحقیق، کشف و شناسایی شود. بدون شک تحقق تقوای الهی، بدون در نظر گرفتن مجموعه‌ی نظام‌مند مقدمات آن، نتیجه‌بخش نخواهد بود.

بنابر یافته‌های تحقیق، «علم»، «میل» و «عمل»، به ترتیب، سه گام اصلی در این مسیر هستند که با شرایط خاصی منتهی به نتیجه‌ی نهایی می‌شوند. نقطه‌ی شروع از آنجاست که آگاهی‌هایی برای انسان متّقی حاصل می‌شود. شناخت مبدأ، معاد، راه و راهنمایان، جزو سرچشمه‌های اولیه‌ی تقوا به شمار می‌آیند. البته شرط اثرگذاری آن، ذکر و یاد دائمی معلومات است.

در گام دوم انفعالات و احساساتی در فرد شکوفا شده و فعلیت می‌یابد. امیال لازم در اینجا شامل سه عنوان کلی خوف، رجاء و محبت نسبت به متعلّق‌های شناختی می‌شود که برانگیخته شدن آنها در برآورده نمودن تقوای دینی مؤثر است. شرط عبور از این مرحله غلبه‌ی امیال متعالی بر دانی و رسیدن به عزم و اراده‌ای راسخ است.

مرحله‌ی پایانی انجام اعمال و رفتارهای اختیاری است. به طور کلی ایمان و عمل صالح، رفتارهای جوانحی و جوارحی لازم در این مرحله محسوب می‌شوند. شرط اثربخشی آنها برای تشکیل خروجی نهایی فرایند، یعنی ملکه‌ی نفسانی تقوا، عبارت است از تکرار و استمرار رفتار.

واژگان کلیدی: تقوا، ملکه‌ی تقوا، فرایند، علم، میل، عمل، قرآن کریم.

فهرست مطالب

فصل اول: «کلیات و مفاهیم».....	۱
۱. کلیات.....	۲
۱.۱. مسئله‌ی تحقیق.....	۲
۱.۲. پیشینه‌ی تحقیق.....	۳
۱.۳. ضرورت تحقیق.....	۴
۱.۴. اهداف تحقیق.....	۴
۱.۵. پرسش‌های اصلی و فرعی تحقیق.....	۵
۱.۶. روش تحقیق.....	۵
۲. مفاهیم.....	۵
۲.۱. مفهوم شناسی تقوا.....	۶
۲.۱.۱. مفهوم لغوی.....	۶
۲.۱.۲. مفهوم اصطلاحی.....	۹
۲.۱.۲.۱. کاربردهای قرآنی.....	۹
۲.۱.۲.۲. ویژگی‌های معنایی.....	۱۲
۲.۱.۲.۲.۱. اختیاری بودن؛ ناظر به نقش و مسئولیت انسان.....	۱۲
۲.۱.۲.۲.۲. روحانی بودن؛ ناظر به رشد و تزکیه‌ی نفس انسان.....	۱۳
۲.۱.۲.۲.۳. غیرمادی بودن؛ ناظر به زندگی اخروی انسان.....	۱۴
۲.۱.۲.۲.۴. دینی بودن؛ ناظر به مسیر حرکت انسان.....	۱۸
۲.۱.۲.۲.۵. تشکیکی بودن؛ ناظر به مراتب قرب و کمال انسان.....	۲۲
۲.۱.۲.۲.۶. جامع بودن؛ ناظر به تمام ابعاد وجودی انسان.....	۲۶
۲.۱.۲.۲.۷. فرایندی بودن؛ ناظر به مراحل شکل‌گیری در انسان.....	۳۴
۲.۱.۳. نسبت تقوا با مفاهیم دیگر.....	۳۹
۲.۱.۳.۱. مفاهیم متقارب.....	۴۰
۲.۱.۳.۲. مفاهیم متقابل.....	۴۵
فصل دوم: مرحله‌ی اول فرایند: «علم».....	۵۱
۱. مفهوم و اقسام علم.....	۵۲
۲. نقش و جایگاه علم.....	۵۷
۲.۱. لازم بودن (ضرورت شناخت عامل خطر و وسیله‌ی حفظ از آن).....	۵۸
۲.۱.۱. آگاهی‌های لازم برای شکل‌گیری ملکه‌ی تقوا.....	۶۱
۲.۱.۱.۱. آگاهی نسبت به ذات و صفات الهی.....	۶۲

۶۵	۲.۱.۱.۲. آگاهی نسبت به معاد و حیات اخروی
۶۸	۲.۱.۱.۳. آگاهی نسبت به پیام‌آوران وحی و راهنمایان الهی
۷۱	۲.۱.۱.۴. آگاهی نسبت به راه سعادت و بایدها و نبایدهای دینی
۷۵	۲.۲. کافی نبودن
۷۶	۲.۳. مقدم بودن
۷۹	۳. شرط تأثیرگذاری علم
۸۲	فصل سوم؛ مرحله‌ی دوم فرایند: «میل»
۸۳	۱. مفهوم و اقسام میل
۹۰	۲. نقش و جایگاه میل
۹۰	۲.۱. لازم بودن (ضرورت انفعال از عامل خطر و تمایل به وسیله‌ی حفظ از آن)
۹۶	۲.۱.۱. امیال لازم برای شکل‌گیری ملکه‌ی تقوا
۹۶	۲.۱.۱.۱. امیال مرتبط با مقام ربوبیت
۱۱۱	۲.۱.۱.۲. امیال مرتبط با زندگی آخرت
۱۱۵	۲.۱.۱.۳. امیال مرتبط با سفیران هدایت
۱۱۶	۲.۱.۱.۴. امیال مرتبط با دین و راه سعادت
۱۱۸	۲.۲. کافی نبودن
۱۱۹	۲.۳. واسطه بودن
۱۲۳	۳. شرط تأثیرگذاری میل
۱۲۶	فصل چهارم؛ مرحله‌ی سوم فرایند: «عمل»
۱۲۷	۱. مفهوم و اقسام عمل
۱۳۱	۲. نقش و جایگاه عمل
۱۳۱	۲.۱. لازم بودن (ضرورت اقدام در جهت دفع خطر و استفاده از وسیله‌ی حفظ از آن)
۱۳۵	۲.۱.۱. رفتارهای لازم برای شکل‌گیری ملکه‌ی تقوا
۱۳۵	۲.۱.۱.۱. رفتارهای مرتبط با پروردگار بی‌همتا
۱۴۲	۲.۱.۱.۲. رفتارهای مرتبط با زندگی بی‌انتها
۱۴۵	۲.۱.۱.۳. رفتارهای مرتبط با پیشوایان و فرستادگان خدا
۱۴۸	۲.۱.۱.۴. رفتارهای مرتبط با دین فرستاده از سوی خدا
۱۵۴	۲.۲. کافی بودن
۱۵۵	۲.۳. مؤخر بودن
۱۵۷	۳. شرط تأثیرگذاری عمل
۱۶۰	خاتمه
۱۶۱	فهرست منابع

فصل اول:

«کلیات و مفاهیم»

۱. کلیات

در راستای معرفی تحقیق و طراحی چارچوب کلی آن، مطالبی در قالب عناوین ذیل ارائه می‌گردد؛

۱.۱. مسئله‌ی تحقیق

هدف نهایی انسان فلاح و رستگاری است و از منظر قرآن کریم تنها کسانی به آن دست می‌یابند که از ویژگی تقوا برخوردار باشند (بقره، ۱-۵). همانگونه که بذر کاشته شده در زمین برای رستن و رسیدن به رشد و کمال، نیاز به حفظ و مراقبت دارد، انسان آفریده شده در دنیا نیز برای دستیابی به سعادت اخروی و کرامت اکتسابی نزد پروردگار، به خودنگهداری و خویش‌نمایی احتیاج دارد.

واژه‌ی تقوا در لغت از ماده‌ی «وقی» و اسم مصدر از «اتقاء»، به این معناست که انسان بوسیله‌ای از خودش در برابر چیزی که به او آسیب می‌زند، حفاظت کند.^۱

تقوا در قرآن دارای سه کاربرد است؛^۲ گاهی در ترس از خداوند به کار می‌رود که در این صورت تقوا به یکی از «مبادی عمل» اطلاق شده است. گاهی تقوا از مقوله‌ی رفتار و ناظر به خود «عمل» بوده و در معنای انجام واجبات و ترک محرمات الهی بکار می‌رود و از آنجایی که دارای مراتب تشکیکی است، در مراحل بالاتر، بر انجام مستحبات و ترک مکروهات هم صدق می‌کند، و بالاخره انسان به جایی می‌رسد که تنها به چیزی که مورد رضایت خداوند است می‌اندیشد و حتی فکر و دل خود را هم از غیر او باز می‌دارد. در این معنا حدّ نصاب تقوا مراقبت در انجام واجبات و ترک محرمات است. کاربرد دیگر تقوا در جایی است که انسان در اثر استقامت و تکرار عمل، از ملکه‌ای نفسانی و صفتی پایدار برخوردار می‌شود. در این کاربرد فرد متقی بدون نیاز به تأمل و تصمیم‌گیری، خود را از درون کنترل کرده و از افتادن در ورطه‌ی گناه جوانحی و جوارحی نگه داشته و به اعمال صالح و می‌دارد. مقصود ما از تقوا در این تحقیق، کاربرد سوم آن است و ادعای ما این است که دستیابی به «ملکه‌ی تقوا»، نیازمند مقدمات و مراحل است که باید در قالب یک فرایند حاصل شود. وقتی محصولی بطور طبیعی یا طراحی شده، در اثر سلسله‌ای از تغییرات متداوم و در طی مجموعه‌ای از مراحل متوالی بدست آید از مفهوم فرایند استفاده می‌شود، درست مانند روند رشد گیاه از لحظه‌ی کاشت تا هنگام برداشت که سیر مشخص و منظّمی را می‌پیماید.

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۸۸۱.

۲. مصباح یزدی، محمدتقی، ره توشه، ج ۲، ص ۲۴۴.

با این توضیح، مسئله‌ی تحقیق این گونه طرح می‌شود که برای شکل‌گیری ملکه‌ی تقوا دقیقاً چه فرایندی باید طی شود و چه نوع فعل و انفعالاتی در ساحات وجودی انسان باید صورت بگیرد؟ برخی از مبادی تقوا بطور خدادادی و هنگام آفرینش در انسان تعبیه شده‌اند که فرایند آنها را تقوای فطری می‌نامند. ولی تحقیق حاضر محدود به تقوای اکتسابی است و می‌خواهیم بدانیم تلاش مسئولانه‌ی خود انسان برای تحصیل تقوا از چه نقطه‌ای باید آغاز شود و پس از آن چه گامهایی توسط او تا رسیدن به مطلوب نهایی باید برداشته شود؟

برای رسیدن به پاسخ، قرآن کریم را به عنوان منبع اصلی و تفاسیر روایی و اجتهادی ارائه شده از آن را به عنوان منابع فرعی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهیم تا بتوانیم دیدگاه قرآن را در این مسئله کشف نماییم.

۱.۲. پیشینه‌ی تحقیق

موضوع تقوا بخاطر تأکید فراوان کتاب و سنت، از قدیم مورد توجه بسیاری از مفسران، محدثان و علمای اخلاق بوده و در پژوهش‌های قرآنی جنبه‌های مختلف آن اعم از معنای لغوی و اصطلاحی، مصادیق، مراتب، اهمیت، عوامل، موانع، آثار و فواید آن در دنیا و آخرت، بطور کلی مطرح شده است، اما در این میان، اثری که بطور مستقل یا غیرمستقل، مسئله‌ی فرایند شکل‌گیری ملکه‌ی تقوا را خصوصاً از نگاه قرآن بررسی کرده باشد، یافت نمی‌شود. پس از کاوش در نرم افزارهای جستجوگر کتب، پایان نامه‌ها و مقالات و مراجعه به کتابخانه‌های متعدد و پرسش از اساتید و کارشناسان قرآنی و جستجوی اینترنتی در سایتهای مختلف، می‌توان گفت مسئله‌ی تحقیق پیشینه‌ای ندارد.

تنها کتابی که بطور اجمالی، ایده‌ی فرایندمدار بودن تقوا در آن به چشم می‌خورد، کتاب «درآمدی بر روانشناسی تنظیم رفتار با رویکرد اسلامی» نوشته‌ی محمد صادق شجاعی (قم، دارالحديث، ۱۳۸۸) است که در چند صفحه از آن (۹۴ الی ۱۱۰)، در تعریف تقوا، به زمینه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری آن توجه شده است. اما در آنجا نیز استدلال قرآنی برای اثبات ضرورت و ترتیب بین هر یک از مؤلفه‌ها ارائه نشده و تنها به ذکر چند روایت در این رابطه اکتفا شده است. در میان مقاله‌های علمی-پژوهشی، عنوان «عوامل و مراحل تکون رفتار اخلاقی در اسلام» اثر غلامرضا غیاثی (نشریه‌ی معرفت اخلاقی، سال چهارم، شماره‌ی سیزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۹-۳۶)، با نگرشی سیستمی به رفتار انسان، و با توجه به ابعاد درونی و بیرونی نفس، به فرایند علم تا عمل پرداخته است. اگر چه در آنجا نیز اجمالاً به سرفصل‌هایی چون شناخت، انگیزه و رفتار اشاره شده ولی ضمن اینکه رویکرد قرآنی و تفسیری به مسئله ندارد، فرایند مورد نظر در آن به رفتار اخلاقی منتهی می‌شود

نه صفت اخلاقی و ملکه‌ی نفسانی تقوا، لذا از نظر موضوع و غایت با تحقیق حاضر کاملاً متفاوت است، هر چند می‌تواند در راهنمایی بخشی از مسیر مفید واقع شود.

۱.۳. ضرورت تحقیق

در روزگاری که ظلم و فساد رواج پیدا کرده و سختی دینداری در میان افراد جامعه بیش از پیش جلوه‌گر شده، تنها راه مبارزه با هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی، تحصیل و تقویت نیروی درونی و ملکه‌ی تقوا است که آگاهی از چگونگی شکل‌گیری آن نقش مؤثری در این زمینه می‌تواند داشته باشد. برای مؤمنانی که می‌خواهند همواره در مسیر رضای الهی حرکت کنند و همچنین برای گنهکارانی که می‌خواهند به این مسیر بازگشته و از نو شروع کنند، لازم است راه دستیابی به فضیلت پایدار تقوا، از نقطه‌ی آغاز تا پایان آن را به خوبی بشناسند.

کسی که می‌خواهد به این صفت اخلاقی و ملکه‌ی نفسانی دست یابد، باید مقدمات متعددی را فراهم کرده و اقدامات متناسبی برای آن انجام دهد، چرا که این ویژگی محصولی از یک دستگاه چندبعدی در نهاد انسان است که مجموعه‌ای از زمینه‌های بینشی، گرایشی و رفتاری در طول یک فرایند منسجم و هدفمند آن را تشکیل می‌دهند. در رویکرد فرایندی هر فعالیت زمانی ارزشمند است که در ارتباط با دیگر فعالیت‌ها، به تحقق هدف مشترکی کمک کند. نگاه جزءنگر به هر یک از بخش‌های یک دستگاه نمی‌تواند کارایی لازم را داشته باشد. تحقق تقوا در فرد و جامعه نیز بدون سیر منظم و منطقی مقدمات آن، میسر نخواهد شد. بنابراین تردیدی در اهمیت و ضرورت ذاتی مسئله وجود ندارد.

از سوی دیگر چنانکه در پیشینه بیان شد، پژوهشی که مراحل تشکیل ملکه‌ی تقوا در انسان، از نقطه‌ی آغاز تا پایان را با نگاهی فرایندمدار و رویکردی سیستمی به ابعاد وجودی انسان از منظر قرآن ارائه کرده باشد، در دسترس نیست. لذا با وجود مطالعات انجام شده در رابطه با راه‌های تحصیل تقوا که عموماً پراکنده و نامنسجم هستند، به لحاظ پیشینه نیز ضرورت دارد که پژوهش تازه، جامع و نظام‌مندی برای حل مسئله از دیدگاه قرآن کریم انجام شود.

۱.۴. اهداف تحقیق

آنچه در این تحقیق به عنوان هدف اصلی مد نظر قرار دارد آن است که با تجمیع اطلاعات انسان‌شناختی و تحلیل آیات قرآنی، یکی از مسائل مهم اخلاقی، یعنی روند گام به گام و مرحله به مرحله تشکیل یک ملکه‌ی نفسانی به نام تقوا را بررسی کرده و دیدگاه قرآن را درباره‌ی آن استخراج کنیم.

اهداف فرعی در این راستا به تشخیص نقش هر یک از ابعاد بینشی، گرایشی و کنشی انسان و تبیین جایگاه آنها با یکدیگر اختصاص دارد. نتایج تحقیق علاوه بر اینکه می‌تواند راهگشای پژوهشگران حوزه‌ی مسائل انسان‌شناختی و اخلاقی باشد، برای مبلغان و مربیان که در جهت نهادینه سازی تقوای دینی در جامعه تلاش می‌کنند نیز قابل ارائه و استفاده می‌باشد.

۱.۵. پرسش‌های اصلی و فرعی تحقیق

• پرسش اصلی:

از دیدگاه قرآن کریم، شکل‌گیری ملکه‌ی تقوا در انسان چه فرایندی را طی می‌کند؟

• پرسش‌های فرعی

۱. علم و آگاهی چه نقش و جایگاهی در فرایند شکل‌گیری ملکه‌ی تقوا دارد؟
۲. امیال و احساسات انسان در فرایند شکل‌گیری ملکه‌ی تقوا از چه نقش و جایگاهی برخوردارند؟
۳. نقش و جایگاه عمل و رفتار در فرایند شکل‌گیری ملکه‌ی تقوا چیست؟

۱.۶. روش تحقیق

در مرحله‌ی گردآوری اطلاعات، از روش تحقیق کتابخانه‌ای یعنی مطالعه‌ی منابع و متون، و فیش برداری استفاده می‌کنیم. در طی این مرحله آیات مرتبط با موضوع تقوا جمع‌آوری می‌شود. سپس در مرحله‌ی پردازش اطلاعات، به دسته بندی، توصیف و تحلیل آیات خواهیم پرداخت. به این صورت که پاسخ سوالات فرعی تحقیق را در میان آیات قرآن کریم و تفاسیر مربوط به آنها جستجو کرده و با دسته بندی آیات به کشف مراحل مختلف در فرایند شکل‌گیری تقوا می‌پردازیم.

۲. مفاهیم

از بین واژگانی که در عنوان پژوهش بکار رفته، آنچه بیش از هر چیز به مفهوم شناسی دقیقی نیاز دارد، کلمه‌ی تقوا است. مفهوم فرایند نیز در ضمن یکی از محوری ترین ویژگی‌های تقوا در این تحقیق، یعنی «فرایندی بودن» آن، توضیح داده خواهد شد.

۲.۱. مفهوم شناسی تقوا

برای شناخت مفهوم تقوا باید آن را از نظر لغوی ریشه‌یابی، و از نظر صرفی ساختارشناسی کرده، سپس با جستجوی کاربردهای قرآنی، معنای اصطلاحی آن را کشف، و رابطه‌ی آن را با مفاهیم دیگر روشن سازیم؛

۲.۱.۱. مفهوم لغوی

بنابر دیدگاه صحیح، واژه‌ی «تقوی» اسم مصدر برای «اتقاء» است که از ریشه‌ی اصلی «وقی» گرفته شده است.^۱ ماده‌ی وقی غالباً در دو ساختار بکار می‌رود؛ یکی ثلاثی مجرد به صورت «وقی، یقی، وقیاً» و دیگری ثلاثی مزید از باب افتعال به شکل «اتقی، یتقی، إتقاء». اهل لغت در معنای این ماده از تعبیری مانند «دفع کردن شیئی از شیء دیگر بوسیله‌ی شیء سوم»^۲، «حفظ کردن شیء از آنچه اذیت می‌کند و آسیب می‌رساند»^۳، «صیانت و حمایت از چیزی در مقابل دیگری»^۴، «حاجز شدن و فاصله انداختن بین دو شیء»^۵ و «ستر و پوشاندن از اذیت»^۶ استفاده کرده‌اند که همگی در معنای محوری حفظ مشترک‌اند و برخی از آنها روش‌های مختلفی برای محافظت از یک شیء هستند، چرا که گاهی برای نگهداری از چیزی لازم است آن را پوشانده و مانعی در برابر آسیب‌ها ایجاد کرد (مثل حفاظت لباس از بدن در برابر سرما)، گاهی باید شیء مورد نظر را از خطر دور کرده و بین آنها فاصله‌ای مکانی ایجاد نمود (مثل حفظ بدن از حرارت آتش) و گاهی باید با استفاده از ابزاری ضرر را دفع کرد (مثل استفاده از سپر برای جلوگیری از ضربه‌ی شمشیر).

۱. خلیل بن احمد فراهیدی (۱۷۵ق) معتقد است تقوی در اصل «وقوی» بر وزن فَعَلی بوده و از فعل ثلاثی مجرد «وقی» گرفته شده است؛ ر.ک. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۵، ص ۲۳۹. اما دیگر لغویان متأخر آن را اسم مصدر از فعل ثلاثی مزید «اتقی» می‌دانند؛ ر.ک. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الأعظم، ج ۶، ص ۵۹۹؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۰۲؛ فیومی، احمد، المصباح المنیر، ص ۶۶۹. به نظر می‌رسد با توجه به ریشه و وزن کلمه و معیارهای ادبی در تشخیص اسم مصدر (ر.ک. زعبلای، صلاح الدین، دراسات فی النحو، ص ۱۸۴)، و بخاطر تناسب تقوا و اتقاء در معنا و کاربرد، دیدگاه دوم صحیح است.

۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۱۳۱.

۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۸۸۱.

۴. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الأعظم، ج ۶، ص ۵۹۸.

۵. همو، المخصص، ج ۱۳، ص ۹۴.

۶. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحديث و الآثار، ج ۵، ص: ۲۱۷.

توجه به الفاظی که در ترکیب جملات نقش فاعل یا مفعول دارند و معنای کلمه به آنها نسبت داده می‌شود، نقش مهمی در شناخت معنا دارد.^۱ در عملیات حفظ، چهار عنصر دخالت دارند؛

- ۱- فاعل که نقش حفظ کنندگی دارد و مسئولیت دفع خطر به عهده‌ی اوست.
- ۲- مفعول اول که مورد حفظ و مراقبت قرار می‌گیرد و سلامت نصیب او می‌شود.
- ۳- مفعول دوم که بخاطر ضرر و آسیب آن در برابرش برخورد دفاعی صورت می‌گیرد و غالباً منصوب به نزع خافض با تقدیر حرف «مِنْ» است.
- ۴- ابزار و وسیله‌ای که از آن برای حفظ و دفاع استفاده می‌شود و گاهی بصورت مجرور حرف «بِ» می‌آید. از این عنصر به وقایه تعبیر می‌شود.^۲

بنابر ترکیب فوق، ساختار ثلاثی مجرد از ماده‌ی وقی، متعدی به دو مفعول است که معمولاً هر دو در کلام ذکر می‌شوند و اگرچه ممکن است گاهی به ابزار حفظ در آن تصریح نشود و بیشتر نقش خودِ فاعل در عمل حفظ مورد تأکید باشد، اما در یک عبارت کامل به این صورت استعمال می‌شود: «وَقَيْتُ شَيْئاً مِنْ شَيْءٍ بِشَيْءٍ». این عناصر در ساختار ثلاثی مزید نیز رعایت می‌شوند، با این تفاوت که اتقاء، یک مفعولی بوده و عنصر دوم، یعنی آنچه محافظت می‌شود، خودِ فاعل و شخص مختار است که از جمله حذف شده و این چنین بکار می‌رود: «اتَّقَيْتُ مِنْ شَيْءٍ بِشَيْءٍ».

بر اساس کاربردهای معنایی باب افتعال^۳، مصدر اتقاء یا به معنای طلب و درخواست سلامت است^۴، مانند اعتذار که عذر طلبیدن است، یا به معنای اتّخاذ و تهیه کردن مبدأ فعل است، یعنی وقایه

۱. ر.ک. پاکتچی، احمد، نظریه معنا شناسی دستوری و زمینه کاربرد آن در مطالعات قرآنی، ص ۲؛ سعیدی روشن،

محمد باقر، از متن تا معنا، حوزه و دانشگاه، سال دهم، شماره ۳۹، تابستان ۱۳۸۳، ص ۱۰.

۲. در کتاب‌های لغت، کلمه‌ی «الوقایه» به «ما وقی شیئاً» یا «ما وقی به شیئاً»، تعریف شده، یعنی عنصر چهارم که وسیله‌ی حفظ کردن است؛ ر.ک. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۵، ص ۲۳۹؛ ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۱۳۱؛ ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الأعظم، ج ۶، ص ۵۹۹. جناب راغب هم که در ابتدا وقایه را مصدر دانسته و به حفظ کردن معنا کرده، در ادامه می‌گوید: «یقال اتَّقَى فلانٌ بكذا، إذا جعله وقایةً لنفسه». چه بسا از دیدگاه او وقایه دو کاربرد دارد؛ یکی در معنای مصدری و دیگری سبب و وسیله‌ی حفظ؛ ر.ک. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۸۸۱.

۳. ر.ک. حسینی طهرانی، هاشم، علوم العربیة، ج ۱، ص ۸۴.

۴. طبرسی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۳۴؛ همچنین ر.ک. ابن عاشور، طاهر بن محمد، تفسیر التحرير و التنویر، ج ۱، ص ۲۲۳.

برگرفتن و وقایه فراهم آوردن^۱، مانند اختباز که نان بدست گرفتن و نان تهیه کردن است، یا اینکه دلالتی انعکاسی دارد و به معنای خودنگهداری است، با این توضیح که هرگاه مفعول یک فعل خود فاعل باشد، نتیجه‌ی آن فعل عائد خود شخص می‌شود. مانند اتّخاذ که شخص خود را در مقام أخذ قرار می‌دهد و دهنده و گیرنده خودش است. پس «اتّقوا»، همان «قوا انفسکم» است که فاعل و مفعول در عمل حفظ، خود انسان است و طبق این معنا که روان‌تر به نظر می‌رسد، اتّقاء یعنی انسان بگونه‌ای از خودش در برابر چیزی دفاع کند.^۲

تفاوت معنایی مذکور بین دو ساختار، در مشتقات اسمی آنها نیز وجود دارد. بنابراین در معنای «تقوی» نیز باید مفهوم خودنگهداری یا خویش‌بانی را لحاظ کنیم. البته تقوا بخاطر ویژگی اسم مصدری‌اش بر نتیجه‌ی حاصل از عملیات حفظ دلالت می‌کند و به حالتی گفته می‌شود که انسان خود را در پوششی محافظ قرار داده باشد. چنان که راغب اصفهانی می‌گوید: «التَّقْوَى جَعَلَ النَّفْسَ فِي وَقَائِهِ مِمَّا يَخَافُ».^۳

نکته‌ی قابل توجه اینکه بر اساس تعریف راغب، مفهوم «خوف» نیز در معنای کلمه تقوا دخیل است. در واقع شیء مورد احتراز (عنصر سوم)، چیزی است که انسان از ضرر ناشی از آن می‌ترسد. اما باید به رابطه‌ی این دو مفهوم توجه داشت تا در معادل‌یابی و تصور دقیق معنا دچار خلط نشویم و آنها را به یک معنا فرض نکنیم، چرا که خوف لازمه و مقتضای تقوا است و یکی از مبادی آن به شمار می‌رود و همین باعث می‌شود که این دو گاهی بجای یکدیگر بکار روند. بنابراین تعریف «تقوا» به ترس، تعریف به معنایی التزامی و مجازی است. یعنی سبب بجای مسبب قرار گرفته است. زیرا غالباً تا انسان از چیزی نترسد، تقوا و حفظ نفس، مفهومی پیدا نمی‌کند و ترس، انسان را وادار می‌کند تا خویش‌تن را از خطر حفظ کند. به همین خاطر برخی معتقدند مفهوم خوف در تقوا اشراب شده، یعنی حفظ نفس همراه با خوف است.^۴

خصوصیات معنایی و عناصر چهارگانه‌ای که در کلمه‌ی تقوا مطرح شد را می‌توان در میان اشعار دوران جاهلیت مشاهده کرد. در سروده‌ی منتخل هذلی چنین آمده است:

۱. مصطفی، سید عبدالحمید، *الافعال فی القرآن الکریم*، ج ۳، ص ۱۴۶۷؛ محمد عبدالخالق عضیمه، *دراسات لاسلوب*

القرآن الکریم، قسم ۲، جزء ۱، ص ۵۱۷؛ اندلسی، ابوحيان محمد بن يوسف، *البحر المحيط فی التفسیر*، ج ۱، ص ۵۸.

۲. ابراهیم، شمسان، *الفعل فی القرآن الکریم*، تعدیته و لزومه، ص ۶۵۸؛ همچنین ر.ک. همان، ص ۳۳۵.

۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، ص ۸۸۱.

۴. مصباح یزدی، محمد تقی، *اخلاق در قرآن*، ج ۱، ص ۷۸.

لَا تَقِهِ الْمَوْتَ وَوَقِيَّاتُهُ

خُطُّ لَهُ ذَلِكَ فِي الْمَهْلِ^۱

در این بیت، فعل ثلاثی مجرد «لَاتَقِي» دو مفعول دارد. اول ضمیری که به شخص بر می‌گردد و دوم مرگ که شیء مورد احتراز است. «وقیات» نیز جمع «واقیه» است و منظور از آن اموالی است که شخص گمان می‌کرده می‌تواند حافظ و مانع او در برابر مرگ باشد. (یعنی اموالش او را در برابر مرگ حفظ نکرد). در معلقه‌ی زهیر چنین می‌خوانیم:

و قال سأقضي حاجتي ثم أتقي

عدوى بألف من ورائي ملجم^۲

مفهوم دفاع شخص از خویش در برابر دشمن خطرناک بوسیله‌ی هزار اسب لگام گذاشته که در این بیت مطرح شده، کاملاً با ویژگی‌های إتقاء و عناصر دخیل در آن انطباق دارد.

۲.۱.۲. مفهوم اصطلاحی

گام دوم در مفهوم‌شناسی تقوا، آگاهی از معنای اصطلاحی آن در قرآن کریم است که برای این منظور ابتدا باید به جستجوی موارد کاربرد آن در قرآن پرداخته، و سپس با تفکیک و تعیین آیات مربوطه، ویژگی‌های معنایی این واژه را به دست آورده، و با بهره‌گیری از روایات تفسیری و کلمات مفسرین، مراد از تقوای قرآنی را دریابیم؛

۲.۱.۲.۱. کاربردهای قرآنی

ماده‌ی «وقی» ۲۵۸ بار در قرآن بکار رفته که ۱۹ مرتبه از آن در قالب ثلاثی مجرد (وَقَى، يَقِي، وَقِيًّا) و بقیه در ساختار ثلاثی مزید از باب افتعال (إِتَّقَى، يَتَّقِي، اتَّقَاءً) آمده است. برخی از موارد ناظر به معنای اصطلاحی تقوا نیستند که در این میان باید آیات مربوطه مشخص شوند. بطور کلی کاربردهای ماده وقی را می‌توان از نظر معنایی به صورت زیر دسته بندی و گزارش کرد:

الف) مواردی که عملیات حفظ در آنها ناظر به زندگی دنیا است و تمام عناصر دخیل در جمله یعنی شیء آسیب‌زا، آسیب‌زدا و آسیب‌پذیر، محسوس و مادی هستند:

(۱) «...وَجَعَلَ لَكُم سُرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَ سُرَابِيلَ تَقِيكُمُ بَأْسَكُمْ...» (نحل، ۸۱)؛ این آیه بر محافظت لباس از بدن انسان در برابر گرما و صدمات جنگی دلالت می‌کند.

۱. به نقل از ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، ج ۹، ص ۲۷۹

۲. به نقل از ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، ترجمه‌ی احمد آرام، ص ۳۰۶

۲) «... لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاءً...» (آل عمران، ۲۸)؛ شیء مورد اتقاء در این آیه که با حرف «مِنْ» بیان شده، آزار و اذیت دشمنان و خطرهای جانی یا مالی آنهاست، و رفتاری که سبب در امان ماندن مؤمنین از این خطر می‌شود، تقیه، به معنای مخفی کردن اعتقاد و تظاهر به خلاف آن است.^۱ «تقاة» همانند تقوا اسم مصدر از اتقاء است.

۳) «وَأَتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (انفال، ۲۵)؛ مراد از فتنه در اینجا اختلاف امت اسلامی در زندگی اجتماعی است که باید از آن پرهیز شود.^۲ این قسم که شامل پنج مورد از کاربردها می‌شود، دلالتی بر معنای اصطلاحی تقوا ندارد. (ب) مواردی که عمل وقایه در آنها مربوط به حیات دنیوی انسان است، شیء مضر هم در همین دنیا ملموس و مشهود است، ولی شخص محافظ در آن خداوند متعال است:

۱) «... فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا...» (غافر، ۴۵)؛ در این عبارت، نیروی غیبی خداوند حفظ‌کننده‌ی مؤمن آل فرعون از گزند نقشه‌ها و توطئه‌های فرعونیان در این دنیا است.

۲) «أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ» (غافر، ۲۱)؛ در این آیه هرگونه وقایه و دفاعی در برابر مجازات دنیوی خداوند برای گنهکاران نفی شده است.

این قسم هم که تنها دو شاهد مثال دارد، از دایره کاربردهای تقوای اصطلاحی خارج است.

ج) مواردی که عمل حفظ در آنها به زندگی اخروی انسان ارتباط دارد، خطر تهدیدکننده هم از امور غیبی و غیرمادی است، شخص نجات‌دهنده نیز پروردگار متعال است:

۱) «فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ» (طور، ۱۸) و یا «الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (آل عمران، ۱۶)؛ این دو آیه و نظایر آنها آیاتی هستند که بصورت دعایی یا خبری، خداوند را نگهدار انسان از عذاب آخرت معرفی می‌کنند.^۳

۲) «لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ وَمَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ» (رعد، ۳۴)؛ طبق این آیه کفار در برابر عذاب اخروی خداوند بی دفاع هستند.^۱

۱. مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۳۴۷؛ همو، جانها فدای دین، ص ۲۹.

۲. رک. همان، ج ۹، ص ۵۰.

۳. برای آگاهی از نمونه‌های بیشتر رک. آل عمران، ۱۹۱؛ غافر، ۷، ۹؛ دخان، ۵۶؛ انسان، ۱۱.

۳ «أَفَمَنْ يَتَّقِي بُوْجَهُ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ» (زمر، ۲۴)؛ در اینجا بصورت استفهام انکاری بین اهل عذاب و ایمان از آن مقایسه شده و با استفاده از ساختار اتقاء و عناصر آن، شخصی به تصویر کشیده شده که در برابر عذاب سخت روز قیامت، وسیله‌ی دفاعی جز صورتش ندارد.

۴ «مَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر، ۹ و تغابن، ۱۶)؛ در این آیه نیز سعادت اخروی انسان مشروط به مصون ماندن او از شرّ بخل و حرص درونی‌اش شده، حفظ کننده‌ی واقعی خداوند است و به فعالیت خود انسان در جایگاه حفظ بطور مستقیم اشاره نشده است. این قسم که ۱۲ مورد از کاربردها را شامل می‌شود نیز بر تقوای اصطلاحی دلالت ندارد، مگر اینکه بگوییم در شماره ۱ و ۴، نگهداری خداوند از انسان منوط به اقدام و حرکت خود اوست و فقط بر نقش خداوند در فرایند تقوا تأکید شده است.

د) مواردی که مربوط به صیانت اخروی انسان هستند، شیء مورد احتراز در آنها نیز امری غیبی و ماورائی است، اما عملیات حفظ در آنها به خود انسان نسبت داده شده است:

۱ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...» (تحریم، ۶)؛ در این قالب ثلاثی مجردی، مؤمنین مأمور به حفظ خود و اهلشان در برابر آتش شده‌اند.

۲ «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» (بقره، ۲۴)؛ این آیه که در آن از فعل امر اتقاء استفاده شده، از نظر اجزاء و عناصر ترکیبی، متناظر با مورد قبلی است و دقیقاً همان معنا از آن فهمیده می‌شود.

این قسم از کاربردهای ماده‌ی وقی، که بیشتر شامل گونه‌های فعلی و اسمی از خانواده‌ی اتقاء می‌شود^۲، بر نوعی خودنگهداری دینی و معنوی توسط انسان دلالت دارد که می‌توان از آن با عنوان تقوای قرآنی یاد کرد.

۱. در آیه دیگری نظیر آن (رعد، ۳۷)، خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) هشدار می‌دهد که اگر از هوای نفس مشرکین تبعیت کنی، در برابر خداوند سرپرست و نگهداری نخواهی داشت. نکته قابل توجه اینکه در این آیات عنصر سوم عملیات حفظ با حرف «مِنْ» نشان داده شده است.

۲. به عنوان نمونه هایی از ساختار «اتقاء» می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اسم مصدر مانند التَّقْوَى (بقره، ۱۹۷)، فعل ماضی مانند اتَّقَى (بقره، ۱۸۹)، اتَّقُوا (مائده، ۶۵)، اتَّقِينَ (احزاب، ۳۲)، فعل مضارع مانند يتَّقِي (زمر، ۲۴)، يتَّقِي (يوسف، ۹۰)، يتَّقُونَ (بقره، ۱۸۷)، تَتَّقُونَ (نحل، ۵۲)، تَتَّقُوا (محمد، ۳۴)، فعل امر مانند اتَّقِ (احزاب، ۱)، اتَّقُوا (حشر، ۱۸)، اتَّقِينَ (احزاب، ۵۵)، اسم فاعل مانند المتَّقُونَ (انفال، ۳۴)، المتَّقِينَ (مرسلات، ۴۱)، صفت مشبّهه مانند تَقَى (مریم، ۱۳)، اسم تفضیل مانند اتَّقَى (حجرات، ۱۳).

۲.۱.۲.۲. ویژگی‌های معنایی

پس از جدا نمودن و تشخیص آیات مربوطه، لازم است با کنار هم گذاشتن و تحلیل موارد، خصوصیات و امتیازات تقوای قرآنی را شناسایی کنیم. تغییری که قرآن در اصطلاح تقوا ایجاد نموده، در ساختار شکلی و چارچوب کلی آن نیست، بلکه بر اساس بینش توحیدی و ماورائی خود، رنگ جدیدی بر قامت این واژه زده و از طریق همان قالب شناخته شده در میان عرب، محتوایی دینی را ارائه کرده است که همین باعث شده تقوا معنای متمایزی پیدا کند.

در ادامه با توجه به عناصر سازنده‌ی ساختمان تقوا، به تبیین ویژگی‌های معنایی آن خواهیم پرداخت. البته قصد بیان ذاتیات و تعریف حقیقی از تقوا را نداریم، بلکه می‌خواهیم با نمایش ابعاد و زوایای مختلف، از معنا و مراد آن پرده برداریم؛

۲.۱.۲.۲.۱. اختیاری بودن؛ ناظر به نقش و مسئولیت انسان

اولین ویژگی که به عنصر اول یعنی «شخص مسئول حفاظت» مربوط می‌شود، این است که تقوا توسط خود انسان محقق می‌شود و از این جهت امری اختیاری است. در تعبیری مانند «التَّقْوَى مِنْكُمْ» (حج، ۳۷)، «تَقَوُّهُمْ» (محمد، ۱۷)، «تَقَوُّهَا» (شمس، ۸)، و افعالی مثل «مَنْ اتَّقَى» (بقره، ۱۸۹)، «مَنْ يَتَّقِ» (طلاق، ۴)، «اتَّقُوا» (بقره، ۲۰۳)، بر فاعلیت و نقش انسان در عملیات حفظ تأکید شده و تقوا به خود انسان‌ها نسبت داده شده است.

قرآن کریم برای اختیار و اراده‌ی انسان اهمیت زیادی قائل شده و مسئولیت کار او را به عهده‌ی خودش واگذار کرده است. تا جایی که می‌توان مختار بودن انسان را یکی از مهمترین اصول موضوعه در نظام اخلاقی اسلام دانست.^۱ طبق آیه‌ی «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ» (بقره، ۲۸۶)، تکلیف هر کس در حد توانایی او در انجام افعال اختیاری است. یعنی به هر میزانی که انسان از قدرت و اختیار برخوردار است، به همان اندازه باید نسبت به سرنوشت خود پاسخگو باشد و بر این اساس اگر نفع و ضرر یا پاداش و عذابی متوجه انسان شود، تنها نتیجه‌ی کسب و تلاش خودش خواهد بود.^۲ لذا می‌فرماید: «لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (ابراهیم، ۵۱)، «أُولَئِكَ مَا وَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (یونس، ۸)، «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم، ۳۹). از تمام این تأکیدات می‌توان بر اختیاری و اکتسابی بودن تقوا و نقش اساسی انسان

۱. مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۲۵.

۲. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۴۳.

در آن استدلال کرد. زیرا فقط در صورتی می‌توان از انسان انتظار انجام چنین امری را داشت که بتواند با اراده‌ی خود از عهده‌ی آن برآید.

سرّ تکیه و تأکید بر اختیار انسان آن است که توجّه به این حقیقت احساس مسئولیت را در انسان زنده می‌کند، او را تلاشگر و فعال بار می‌آورد و سستی‌ها، تنبلی‌ها و بهانه‌ها را از او سلب می‌کند.^۱ به همین خاطر برخی تقوا را به «احساس مسئولیت و تعهد» تعریف کرده‌اند.^۲

البته این ویژگی با توحید افعالی و آیاتی که تأثیر استقلال را به خداوند اختصاص می‌دهند، منافاتی ندارد. مثلاً آیه‌ی «وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتُهُ» (غافر، ۹) که در آن دفع سیئات از خدا خواسته شده، و یا آیه‌ی «فَمَنْ أَلَّهَ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ» (طور، ۲۷) که نگهداری از عذاب را متنی از سوی خدا معرفی کرده^۳، با مختار بودن انسان قابل جمع هستند، زیرا فاعلیت انسان در طول فاعلیت حقیقی الهی قرار دارد، و اراده‌ی او بر این تعلّق گرفته که هر کس با پذیرش اختیاری هدایت، لیاقت دریافت تقوا پیدا کرد، خداوند توفیق خودنگهداری را به او عطا می‌کند. چنانکه فرموده: «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ» (محمد، ۱۷) و «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالزَّمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا» (فتح، ۲۶).

۲.۱.۲.۲. روحانی بودن؛ ناظر به رشد و تزکیه‌ی نفس انسان

ویژگی دیگری که به عنصر دوم یعنی «شخص مورد حفاظت» ارتباط دارد، اثر معنوی و تربیتی است که تقوا در روح انسان می‌گذارد. همانطور که قبلاً بیان شد، اتّقاء معنایی انعکاسی دارد و نتیجه‌ی کارِ فاعل در آن به خود او برمی‌گردد. عبارت «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ»، تنها ساختار ثلاثی مجرد است که گویا عنصر مذکور را تجزیه و تحلیل کرده و لزوم نگهداری از خود و خانواده را به انسان گوشزد می‌کند. البته آنچه در آخر از آتش مصون می‌ماند، هم جسم انسان است و هم روح او، اما این صیانت بواسطه‌ی تزکیه‌ی نفس و تربیت نسل امکان‌پذیر است، یعنی تقوای الهی منجر به پاکی روح شده و این باعث حفظ انسان از آتش می‌شود.

در شبکه‌ی مفاهیم تربیتی قرآن کریم، ارتباط خاصی بین تقوا و تزکیه برقرار شده، که ما را به کشف مراد از تقوا نزدیک کرده و رابطه‌ی خودنگهداری و خودسازی را نشان می‌دهد. در سوره‌ی شمس می‌خوانیم: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا، فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا، قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا، وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس، ۷-۱۰). خداوند در این آیات نفس انسان را به بذر گیاهی تشبیه کرده که در زمین کاشته

۱. مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۲۷.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۲۰۴.

۳. همچنین ر.ک. نور، ۲۱؛ انسان، ۳۰-۳۱ و...

شده و برای رشد و شکوفایی، نیازمند مراقبت و رسیدگی است. دانه‌ای می‌تواند از زمین سالم بیرون بیاید و به رشد و نمو خود تا کمال نهایی ادامه دهد، که از آفات و آسیب‌هایی که باعث فساد و تباهی آن می‌شود، جلوگیری شده باشد.^۱ فضایی که انسان باید به آنها آراسته شود و ردایی که باید از آنها پیراسته گردد، همگی از طریق تقوا حاصل می‌شوند که خداوند چگونگی آن را به انسان آموخته است. بنابراین تقوا منجر به حفظ و سلامت روح از آفات، تزکیه، اصلاح و تکامل نفس، رشد معنوی و پرورش استعدادهای روحی انسان می‌شود و در نهایت او را به فلاح و رستگاری نائل می‌کند.^۲ از این جهت در تقوای قرآنی انسان فقط به دنبال حفظ موجودیت و بقا ذات خود نیست، بلکه می‌خواهد از طریق تقوا به کمالات وجودی خود دست پیدا کند.^۳ قرآن در جایی فرموده: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى» (اعلی، ۱۴)، و در جای دیگر راه آن را توضیح داده و می‌فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (بقره، ۱۸۹)، چون هر کس بخواهد به فلاح برسد، باید خود را تزکیه کند و مسیر آن هم از تقوا می‌گذرد.^۴ درآیه‌ی «وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى، الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى» (لیل، ۱۷ و ۱۸) نیز تزکیه شدن، غرض و غایت کاری است که شخص با تقوا انجام می‌دهد و بخاطر آن از آتش دور نگه داشته می‌شود. تشبیه دیگری که همین اثر معنوی را برای تقوا بیان می‌کند، در آیه‌ای آمده که می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ» (اعراف، ۲۶). لباس تقوا در این آیه لباس باطن انسان است که زشتی‌ها و رذایل او را می‌پوشاند و آدمی را از معایبی که باعث رسوایی او می‌شود و نتیجه اش شقاوت دائمی است، باز می‌دارد.^۵

۲.۱.۲.۲.۳. غیرمادی بودن؛ ناظر به زندگی اخروی انسان

مهمترین و اصلی‌ترین ویژگی تقوا در قرآن که آن را از کاربردهای عرفی عصر نزول ممتاز می‌کند، غیرمادی بودن یا اخروی بودن عنصر سوم، یعنی «متعلق تقوا» (ما یتقی منه) است. در نگاه شرک‌الود و محدود به زندگی دنیایی که میان عرب جاهلی غلبه پیدا کرده بود، خودنگهداری تنها در مقابل ضررها و خطرهای جسمی، مالی یا آبرویی معنا می‌شد و اگر چه در گنجینه‌ی لغات و مجموعه‌ی اشعار عرب واژه‌ای بنام تقوا یافت می‌شد، اما عقیده بیشتر مردم بر این بود که باید در برابر قهر و نفرین بت‌ها از قربانی استفاده کند، برای دفع هجوم دشمن و ننگ شکست، به شمشیر و سپر پناه

۱. مصباح یزدی، محمد تقی، رستگاران، ص ۱۲۸.

۲. ر.ک. طباطبایی، سیدمحمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۲۹۸.

۳. ر.ک. مصباح یزدی، محمد تقی، انسان شناسی در قرآن، ص ۱۵۸.

۴. مصباح یزدی، محمد تقی، رستگاران، ص ۱۳۱.

۵. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۷۰.

ببرد، تهمت‌های ناروای مردم را با جود و بخشش دفع کند و از ترس فقر یا شرم دختردار شدن فرزندش را بکشد. ولی در جهان‌بینی قرآنی که کاملاً با فرهنگ جاهلیت متفاوت است، خطری بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد که مربوط به زندگی اخروی انسان بوده و سعادت ابدی او را تهدید می‌کند.^۱ آیاتی که بیانگر این نوع خطر هستند را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد؛

۱. آیاتی که متعلق تقوا در آنها روز قیامت است: به عنوان مثال آیه‌ی «وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (بقره، ۲۸۱).^۲ آسیبی که از ناحیه‌ی این روز متوجه انسان می‌شود و باید خود را از آن حفظ کند، چیزی است که در بستر آن اتفاق می‌افتد و آن اینکه انسان‌ها به سوی خدا باز می‌گردند و اعمالی که انجام داده‌اند را دریافت می‌کنند.^۳ بنابراین روز قیامت از این جهت که هنگامه‌ی وقوع یک خطر مخوف است، باید مورد اتقاء قرار بگیرد. برای درک عظمت و تلخی بلای آن روز، لازم است به آیات توصیفگر آن در قرآن توجه کرد که می‌فرماید: «بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَذْهَى وَ أَمْرٌ، إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ، يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُقُوا مَسَّ سَقَرٍ، ... إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ» (قمر، ۴۶-۵۴) و یا فرموده: «وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَى وَرَبَّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ» (احقاف، ۳۴). بنابراین روز قیامت زمان کشیدن مجرمین در آتش و چشیدن عذاب توسط آنها، یا عرضه‌ی کفار بر آتش است.^۴

۲. آیاتی که آتش جهنم را متعلق تقوا معرفی کرده‌اند: مانند آیه‌ی «وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» (آل عمران، ۱۳۱).^۵ آتش در قرآن به عنوان وسیله‌ی عذاب و مجازات در آخرت معرفی شده است، زیرا می‌فرماید: «فَلَنَذِقَنَ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَشْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ، ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءً بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ» (فصلت، ۲۷-۲۸). یعنی چیزی که باید از آن پروا و حذر کرد عذاب مهیاشده برای کافران است که فرموده: «... إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا» (اسراء، ۵۷). ضرر آتش برای سلامت انسان را همگان درک می‌کنند، اما پرواکردن از خطری

۱. مصباح یزدی، محمدتقی، ره توشه، ج ۲، ص ۲۴۲؛ البوزی، محمد، مفهوم/التقوى، ص ۱۰۴

۲. برای آگاهی از نمونه های بیشتر ر.ک. بقره، ۴۸؛ مزمل، ۱۷ و ...

۳. در آیه‌ی ۱۱۱ سوره‌ی نحل، به جای «ماکسبت» در شاهد مثال، از تعبیر «ماعملت» استفاده شده است.

۴. همچنین ر.ک. احقاف، ۲۰ (که استکبار و فسق را سبب مجازات در آن روز معرفی کرده است).

۵. همچنین ر.ک. بقره، ۲۴.